



من هنوز برای کار در دنیای بازیگری انگیزه بالایی دارم و به امید این زنده‌ام که هر چه زودتر به صحنه برگردم. مگر کسی که مشکل جسمانی داشته باشد دیگر نمی‌تواند هنرنمایی کند! الان هم منتظرم آقای داوود میر باقری دعوت‌م کند تا در سریال «سلمان فارسی» نقش آفرینی کنم

برای پنجاهمین بار مختار را دیدم

انان که اوقات فراغت زیادی دارم خیلی از کارهایم را می‌بینم و اتفاقاً بیشتر بیننده سریال مختارنامه هستم که توانست گوشه‌ای از ماجرای حماسی واقعه عاشورا و پس از آن را به تصویر بکشد. به نظر من این سریال نقاط قوت بسیاری دارد. من برای پنجاهمین بار سریال مختارنامه را دیدم با آن‌که خودم بازیگر آن بودم هنوز از دیالوگ‌های با مفهوم این سریال لذت می‌برم و فکر می‌کنم همیشه این سریال می‌تواند همچنان جذاب برای نسل‌های آینده باقی بماند.

چون برای مردم نمایش داده می‌شود بسیار ارزشمند است ولی به جوانان توصیه نمی‌کنم به اصطلاح خودشان را برای بازیگر شدن بکشند تا فقط معروف شوند. این خبر نیست.

معروف شدن ساده است ولی پایبند بودن به این حرفه سخت است. این‌که بتوانند آثاری خلق کنند که همیشه در دل مردم جا داشته باشند، مهم است. من هنوز هم لذت می‌برم که مردم مرا دوست دارند و این‌طور به من لطف می‌کنند. با این حال این‌طور نیست که کسی با حضور در دوپلان بازیگر شود. از طرفی هم شغل بازیگری حواشی زیادی دارد و باید آدم پوست کلفتی باشی که بتوانی تحمل کنی برای همین من به کسی بازیگری را توصیه نمی‌کنم.

این روزها جای چه نگاه و اتفاقی را در دنیای صدا و تصویر و حرکت خالی می‌بینید؟

مدت هاست که فهرست هنرمندان خوب کشورمان کنار رفته است. با توجه به تجربیاتی که این هنرمندان دارند و مردم آنان را دوست دارند از آنها استفاده نمی‌شود. این واقعا حیف است، چون آنها با پول این مملکت کار یاد گرفتند و بزرگ شده‌اند مانند خلبانی که زحمت کشیده و سال‌ها به صورت مستمر به مردم خدمت کرده است و یک‌دفعه او را کنار می‌گذارند. خب حیف است هر رشته‌ای که شما فکرتان را بکنید هم همین‌طور است.

هر قدر شما بازیگر خوبی باشید ولی نتوانید داستان‌تان را خوب انتقال دهید یا اصلاً داستان خوبی نداشته باشید، بی‌تأثیر خواهد بود.

دوست دارم باز هم از آثار ناصر تقوایی استفاده شود. خیلی آرزو دارم قبل از مرگم بازی با ایشان داشته باشم. یک پلان هم بازی کنم برایم باعث افتخار است.

به عنوان سخن پایانی دوست دارید چه صحبتی از طریق «قاب‌کوچک» گفته شود و اگر بخواهید یک سوال از خودتان پرسید و به آن پاسخ دهید، چیست؟

دوست دارم بگویم خوب است در تولیدات جدید اجازه بدهند هنرمندان دست‌شان بازتر باشد که بتوانند کارهای بهتری ارائه کنند. پوزش از همه هنرمندانی که امروزه زحمت می‌کشند. پیش آمده که گاهی سریالی را نگاه کردم و نتوانستم دیدن آن را ادامه دهم. در مورد سوالی که از خودم می‌پرسم هم این‌که من بعد از سریال مختارنامه، چهار سال امکان کار کردن نداشتم و خودم هم متوجه نشدم چرا ولی باید بگویم محبت مردم است که باعث می‌شود محبوب شویم و دوست‌مان داشته باشند.



رضا رویگری:

منتظر دعوت میر باقری برای بازی در سلمان هستم

داستان‌های شاهنامه فردوسی که از بزرگ‌ترین آثار ادبیات کهن است و جزو تاریخ گذشته ایران به شمار می‌آید به همین دلیل می‌تواند اثر گذار باشد همچنین خودم هم دوست دارم در چنین فیلمنامه‌هایی هنرنمایی کنم.

شما از کسانی هستید که بیشتر زندگی‌تان را صرف بازیگری کردید و این حرفه را خوب می‌شناسید، با توجه به این جریان آیا باز هم این حرفه را به دیگران پیشنهاد می‌کنید؟

بازیگری چون کار فرهنگی و هنری محسوب می‌شود، خیلی هم خوب است. در واقع بازیگر مسئولیت جان دادن به نقش‌ها و شخصیت‌های فیلمنامه را دارد و

ایرانی کشت، خیلی خوشحال شدیم و این سریال واقعا به من درس داد. قبل از آن‌که در این سریال حاضر شوم هیچ شناختی به کیان نداشتم. فقط می‌دانستم مختاری در تاریخ وجود داشته که پس از شهادت امام حسین (ع) علیه دشمنانش قیام می‌کند. همچنین بهترین کار سینمایی‌ام هم در فیلم «بوتیک» ساخته حمید نعمت‌الله بود و علاوه بر آن بازی در فیلم «آچاره‌نشین‌ها» تجربه شیرینی برام بوده است.

و فیلمی که خودتان می‌سازید، چطور؟ فکر کردید سراغ چه داستانی می‌روید؟

بیشتر دوست دارم یک اثر تاریخی بسازم، چون برای مردم همیشه جذاب است، موضوعاتی مثل

چهره‌اش در نقش کیان در سریال «مختارنامه» و مدایش با سرود معروف «ایران ایران» (...! ...!) هنوز در یادها باقی مانده است. رضا رویگری متولد ۱۳۲۵ است که آثار زیادی را در سریال‌ها و سینمایی‌های مختلف بازی و نقش‌های بسیاری را از آن خود کرده است. بیماری او و آرزویش برای ادامه بازیگری، بهانه‌ای شد تا این هفته با این هنرمند پراز خاطره گفت‌وگویی داشته باشیم.

خیلی سال است که شما در دنیای تصویر کمرنگ شدید و حتماً دلتنگ هم هستید. آخرین کارتان چه بود؟

ابتدا بگویم که بعد از سکنه مغزی‌ام خیلی‌ها شایعه می‌کردند که مرده‌ام اما به همه آنها باید بگویم تا زمانی که مردم را دارم و تا روزی که در قلب آنها باشم، زنده‌ام. کارهای زیادی در طول این ۶۶ سال انجام دادم. خیلی از کارهای من دیده نشده اما هنوز برای کار در این فضا انگیزه بالایی دارم و به امید این زنده‌ام که هر چه زودتر به صحنه این هنر برگردم. مگر کسی که مشکل جسمانی داشته باشد دیگر نمی‌تواند هنرنمایی کند! (با خنده) الان هم منتظرم آقای داوود میر باقری دعوت‌م کند تا در سریال «سلمان فارسی» نقش آفرینی کنم. آخرین کارم در فیلم «شادروان» به تهیه‌کنندگی عباس نادران است که سال ۱۴۰۰ ساخته شد و من ۱۵ ثانیه در آن بازی کردم.

۱۵ ثانیه کم نیست؟

به نظر من داشتن نقش کوچک و بزرگ مهم نیست. یک بازیگر توانمند می‌تواند همان نقش کوچک را آن قدر خوب هنرنمایی کند که به چشم بیاید یا برعکس آن، بازیگر نقش بزرگ را طوری بازی کند که اصلاً به چشم نیاید.

با توجه به تجربیاتی که در این چند سال طولانی در سریال‌ها و آثارتان داشتید، نگاه مردم را بیشتر در کدام فضا حس کردید؟

من از سریال مختار نامه خیلی باز خورد مثبت داشتم. مردم همیشه به من می‌گویند وقتی دیدیم شما را یک

از خدا می‌خواهم به وضعیت قبل‌م برگردم

انان آن قدر اوضاع خودم درهم است که می‌خواهم لیخند بر لبم بیاید اما نمی‌شود. من از تمام کارهایم خاطره دارم و بازی‌هایم در این سال‌ها پراز این خاطرات است. آن موقع‌ها در سریال مختارنامه آمادگی جسمانی بالایی داشتم و تنها کسی بودم که با دو شمشیر می‌توانستم کار کنم. وقتی فکر می‌کنم چگونه سوار کاری می‌کردم از خدا می‌خواهم دوباره به وضعیت قبلی‌ام برگردم.

